

از مکتب تا فرهنگ: تبیین فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش زورخانه‌ای در ایران

احمد موتاب^۱
وجیهه جوانی^{۲*}
ابوعلی ودادهیر^۳

چکیده

زورخانه در رهبری فکری نهضت‌های آزادی‌بخش و ترویج آداب و آیین فتوت و کردار جوانمردانه در دوران پرفراز و نشیب تاریخ ایران زمین نقش مهمی ایفاء کرده است. بنابراین، این مطالعه در پی تبیین فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش یا در واقع مکتب زورخانه‌ای در ایران است. از حیث روش‌شناسی، رویکرد این مطالعه کیفی است و از روش نظریه داده‌بنیاد هم‌ساخت‌گرایانه (رویکرد چارمز) استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه (مطالعین کلیدی)، پهلوانان صاحب‌نظر و باسابقه که هم از نظر عملی و هم نظری آشنا به فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم زورخانه و همچنین پژوهشگران دارای سابقه پژوهش در این حوزه بودند که به شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند و در مجموع نوزده مطلع کلیدی و صاحب تجربه در ورزش زورخانه‌ای از طریق نمونه‌گیری کیفی یا هدفمند جذب شدند. برای گردآوری داده‌ها از یک مصاحبه‌نامه نیمه‌ساختمند استفاده شده و مصاحبه‌ها تا حصول به اشباع نظری ادامه یافت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری مکتب زورخانه در ایران را در سه خوشه معنایی تبیین و تلخیص کرد: الف) پدیده محوری: کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌های جاری در فضای زورخانه؛ ب) عوامل زمینه‌ای یا شرایط اثرگذار بر کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌های عیاری که بخشی از آن‌ها تسهیل‌کننده و بخشی دیگر بازدارنده آن هستند و ج) مؤلفه‌های مربوط به پی‌آیندها و آثار کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌ها در فضای زورخانه که شامل فضای حاکم بر زورخانه، فضای حاکم بر محیط ورزش به‌عنوان یک محیط بینابین و جامعه به‌عنوان محیط کلان.

کلیدواژگان: عیاری، آیین فتوت، ورزش زورخانه‌ای و باستانی، پهلوان، مکتب، فرهنگ.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ - 2021/09/01

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰ - 2021/11/11

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (motabahmad137@gmail.com)

۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) (v.javani@tabrizu.ac.ir)

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (vedadha@ut.ac.ir)

مقدمه

در ایران باستان بنا بر عقاید حاکم و تعالیم اوستا، ناخوشی منسوب به اهریمن بوده و توسط این نیروی بیگانه وارد بدن می‌شده است. از این رو، وظیفه هر ایرانی در عرف مبارزه با اهریمن بوده است. بنابراین، ایرانیان برای پرورش جسم و جان و تأمین سلامت به فرزندان‌شان انواع ورزش‌های پایه را می‌آموختند (خالدین، ۱۳۹۷). همچنین، ادبیات ایران قبل و بعد از اسلام مملو از حماسه‌ها و حماسه‌سازان است و پادشاهان و پهلوانان سعی داشتند به نحوی با انتساب خود به پهلوانان اساطیری برای خود مشروعیت کسب کنند (گودرزی، ۱۳۸۵). ورزش زورخانه‌ای از آغاز تحت تأثیر عوامل مذهبی و اجتماعی-اخلاقی قرار گرفته است. آیین‌ها و ادیانی مانند آیین مهرپرستی و دین زرتشتی پیش از اسلام و جلوه‌هایی از کردارهای اجتماعی و دینی مانند عرفان و تصوف، آیین فتوت و مذهب تشیع پس از اسلام، در شکل‌گیری این ورزش باستانی تأثیر گذاشته‌اند (حیدری و دولت‌شاه، ۱۳۸۹). تاریخ و فرهنگ و مکتب زورخانه، آداب و رسوم و ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی پهلوانان و عیاران و شاطران و آیین فتوت و جوانمردی در هم تنیده بوده و غیرقابل تفکیک هستند و جملگی هم عامل و هم معلول پدیده زورخانه می‌باشند (انصاف‌پور، ۱۳۵۳). از ویژگی‌های شگفت‌انگیز زورخانه آرمان‌گرایی اجتماعی آن بوده که بر اصول آیین فتوت و جوانمردی استوار است. برای مثال، نیاکان ما بر این باور بودند که توانایی تن و زورمندی جسم، بدون پرورش نیروهای معنوی و روانی، انسان را به جانوری درنده بدل می‌کند که در عین قدرت و زورمندی مقهور قوای طبیعت و اسیر دست دیگران است (موتاب، ۱۳۷۷؛ منتظرالقائم و حقی، ۱۳۹۷). در ایران باستان، ورزش‌های باستانی و کشتی پهلوانی در زمره ورزش‌های پایه بوده و کاربردهایی در سلحشوری و رزم نیز داشته است (طالب پور و ویسیان، ۱۳۹۳؛ ایمان‌زاده و همکاران، ۲۰۱۶). بطوری که جنگ تن‌به‌تن و آشنایی به فنون کشتی در زمره خصوصیات بدیهی جنگاوران و رزمندگان قلمداد شده و حتی در برخی مواقع، سرنوشت جنگ را نیز نبرد تن‌به‌تن و کشتی دو پهلوان تعیین می‌کرد (میری، ۱۳۴۹). این آموزش‌ها در تمام مراحل خود با آموزش‌های معنوی و اخلاقی همراه بوده است تا مرد دلیر، برومند و جنگاور ایرانی هم به شکوه نیرومندی و هم به قر فضایل اخلاقی آراسته باشد (انصاف‌پور، ۱۳۵۳؛ قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). هدف از آیین فتوت و جوانمردی در ایران باستان وادار ساختن شخص به گذشت، فداکاری، پرهیزکاری، صفای ظاهری و باطنی و همچنین اجتناب از اعمال کریه و زشت بوده است (رضوی، ۱۳۸۹؛ یاسینی، ۱۳۹۴). سجایایی نظیر شکوه، منزلت، کردار اخلاقی، اصالت و منش ایرانیان باستان تا حدی چشمگیر بوده که افلاطون می‌نویسد: پارسی‌ها با توجه کامل، کودکان را با ورزش قوی بنیه می‌سازند. آموزگاران، جوانان و کودکان را با تعلیمات زرتشت به راستی و درستی اندرز می‌دهند و در تهذیب اخلاق آنان می‌کوشند و روح دلآوری، مردانگی، آزادگی و جنگاوری را در ایشان پرورش می‌دهند (انصاف‌پور، ۱۳۵۳). همچنین، مورخین یونانی از قبیل هردوت، گزنفون و استرابون به آن اذعان داشتند. برای مثال، گرنندی می‌نویسد: صفاتی که از نقطه نظر راستی، پاکی و محاسن اخلاقی در ایرانیان باستان ملاحظه می‌شود؛ نظیر آن

را به هیچ وجه در هیچ یک از ملت‌های معاصر آنان نمی‌توان یافت. چنانکه، ایرانیان باستان زندگی با ضعف و زبونی را محکوم می‌دانستند و زورمندی، توانگری و قدرت بی‌بهره از خصال معنوی و جوانمردی را نیز مذموم می‌شمردند (برزگر، ۱۳۵۰). آیین فتوت و جوانمردی که از دوران باستان در ایران رواج داشته، پس از ظهور اسلام نیز در پرتو تعالیم عالیه حضرت محمد (ص) کیفیت و عمق بیشتری یافت. پس از تسلط اعراب بر ایران و پذیرش اسلام توسط ایرانیان؛ با گماردن حکام جور بر حکومت ایران و ستمگری حکام به طوری که حمل هرگونه اسلحه بر ایرانیان ممنوع گشت. در چنین شرایطی در زیر انواع فشار و ستم بیگانه، آزاد مردان ایران با ایجاد زورخانه در سراسر مملکت، اولین کانون‌های استقلال طلبی در استتار ورزش را شکل دادند تا برای پاسخگویی به تعدی آن‌ها در نهان‌خانه‌ها و لنگرگاه‌ها، به دور از هیاهوی روزگار گرد هم آیند و ابزارهایی مانند سنگ به مثابه سپر، میل به مثابه گرز، و کباده به مثابه تیروکمان به صورت سلاح بدلی جنگی مورد استفاده قرار دادند و با این ابزارآلات ورزشی به پرورش تن و روان خویش پرداختند و راه عیاری و جوانمردی پیش گرفتند که از این میان طبق شواهد تاریخی پهلوانان سربداران خراسان از دیگران مشهورتر هستند (گودرزی، ۱۳۸۳).

پس از قرن‌ها رواج و حاکمیت اخلاق پهلوانی از اوایل حکومت قاجار آثار انحطاط اخلاقی در زورخانه‌ها ظاهر شد. دیگر آخرین کهنه‌سواران راهبری فکری و عقیدتی گروه‌های اصیل زورخانه از میان رفت و کار و امورات زورخانه‌ها به دست اشراف، دوله‌ها و خان‌ها افتاد. به مرور زمان، آیین فتوت و جوانمردی که در واقع روح ورزش زورخانه بود کم رنگ و کم‌رنگ‌تر شد، تا جایی که اهداف اقتصادی و سیاسی جوامع مدرن نقش اساسی را در میادین ورزشی به عهده گرفت و پس از انقلاب صنعتی در اروپا و انقلاب مشروطه در ایران و با ظهور مکتب‌های مادی‌گرایانه و سکولار، دین، اخلاقیات و سنت‌های پسندیده جوامع بشری حتی در میادین ورزشی به حاشیه رانده شد. چنان‌که ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)، جامعه‌شناس کلاسیک آلمانی، عقلانیت را مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن معرفی نموده است. عقلانیت مورد نظر وبر، عقلانیتی است که بی‌اعتمادی به سنت‌ها، نسبت به شرایع آسمانی، اعتقاد به خود بسندگی انسان، اعتقاد به خودبسندگی عقل و اعتقاد به نقش ابزاری عقل از مهم‌ترین ویژگی‌های آن شمرده می‌شود (بیتهم، ۱، ۱۹۸۵). طبق نظر وبر، در یک جامعه عقلانی، طلسم، توهم و غبار دین، جادو، افسانه، ایمان و در واقع نیروهای ماورای طبیعت از جامعه زدوده می‌شود (مفهوم افسون‌زدایی^۲ ماکس وبر)، و جای خود را به نیروها و انگیزه‌های عقلانی منجر به کنش از جمله علم و تکنولوژی بدهد (ویلسون و بروس، ۳، ۲۰۱۶). مع‌الوصف، پس از یک دوره طولانی عقلانیت، انتظار می‌رفت که دین و اخلاقیات عمومی از عرصه حیات اجتماعی کنار برود ولی برعکس گرایش شدید به سمت دین و اخلاقیات عمومی در جامعه مدرن امروزی همچنان دیده می‌شود، به ویژه در زمان‌هایی که بشر از دستاوردهای عقلانیت علم و تکنولوژی سرخورده و ناامید می‌شود (برگر، ۱۳۸۰؛ ویلسون

¹- Beetham

²-Disenchantment of society

³-Wilson, & Bruce

و بروس، ۲۰۱۶). یکی از موضوعات مهم در ارتباط با دین و اخلاق، مناسبات آن با سایر نهادها و فعالیت‌های اجتماعی نظیر ورزش است. اندیشمندان حوزه فلسفه ورزش بر این باورند که ورزش به عنوان عاملی برای ایجاد صفات ممتاز، روحیه فداکاری، پشتکار، مقاومت و خود انضباطی در ورزشکاران است و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف ورزش تهذیب اخلاق و توسعه اخلاقیات در جامعه می‌باشد. ورزش فضایی را مهیا می‌کند که اخلاق ورزشی در خلق و خوی افراد نهادینه شود (فرامرز قره‌ملکی، ۱۳۹۸).

افزون بر این، فرهنگ و عقبه غنی مکتب زورخانه را به هر زمان و آیینی نسبت دهیم؛ خواه آیین مهر، خواه دین زرتشت، آیین عیاری و عرفان و تصوف همگی در یک افق به هم می‌رسند و آن آیین فتوت و جوانمردی است (عزیزی، ۲۰۲۰). این ورزش با در هم تنیدن و مزین کردن حرکات ورزشی با آداب و سجایای اخلاقی، آموزه‌های شیعی و پرورش قوای بدنی، در تاریخ ایران به عنوان مهم‌ترین ورزش از لحاظ هماهنگی با آموزه‌ها و آداب و رسوم شیعی شناخته می‌شود (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲). جوانمردی کنش و راه رسم پهلوانان و عیاران است که باید این منش را در جوامع بارورتر کرد چراکه انسان امروز در دوره‌ای از تاریخ زندگی می‌کند که بیشتر از هر زمان به فتوت و جوانمردی نیازمند است (کوربن، ۱۳۸۳). بنابراین، فهم و تحلیل ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی با رویکرد مکتبی و به لحاظ فلسفه و جهان بینی خاص این ورزش و بافتار غنی و درهم تنیده اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی و دینی آن بسیار ضروری است (امینی‌زاده، ۱۳۹۲). بر این اساس، در این مطالعه ما به دنبال تدوین مدل و تبیین فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش یا در واقع مکتب زورخانه‌ای در ایران هستیم.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد و روش پژوهش: با توجه به اینکه پژوهش کیفی، قابلیت مطالعه و کشف جنبه‌های از موضوعها را دارد که قبلاً کمتر مورد توجه بوده است، از این رو، در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد هم‌ساخت‌گرایانه^۱ (رویکرد چامزی) برای توسعه مدلی به منظور تبیین فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش زورخانه‌ای در ایران استفاده شده است. این رویکرد هم‌ساخت‌گرایانه به روش نظریه داده‌بنیاد که توسط چارمز (۱۹۳۹-۲۰۲۰) توسعه داده شده است، بیشتر بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، باورها، احساسات، پیش‌فرض‌ها و ایدئولوژی‌های افراد تأکید دارد تا گردآوری واقعیت‌ها، کدگذاری و توصیف اعمال. همچنین این روش به فهم و تفسیر ارتباط هم‌کنشی میان ایده‌ها یا طبقه‌های مفهومی یا به بیان دیگر، توسعه‌ی مدل نظری برای توصیف چگونگی رویداد شرایط و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد (چارمز، ۲۰۱۴؛ چارمز و ثورنبرگ، ۲۰۲۰).

^۱ Constructivist Grounded Theory Methodology

^۲ Charmaz, & Thornberg

پایه‌های نظری و فلسفی آن به مکتب تعامل‌گرایی نمادین و برساخت‌گرایی اجتماعی برمی‌گردد و از منظر هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی به ترتیب موضعی نسبی‌گرا، ذهنی‌گرا و تفسیرگرا دارد. هم‌ساخت‌گرایان اجتماعی بر این باورند که درک فرد از یک موقعیت با تسهیم واقعیت از طریق هم‌کنشی‌ها و تجربه‌های اجتماعی بسته به زمان، مکان و بستر فرهنگی خاص ساخته می‌شود (چارمز، ۲۰۱۴؛ گاردنر و همکاران، ۲۰۱۲).

محیط پژوهش و انتخاب و جذب مشارکت‌کنندگان

محقق در مطالعه کیفی با رویکرد نظریه داده بنیاد هم‌ساخت‌گرایانه به تبیین و توصیف پدیده‌ها در محیط/عرصه طبیعی می‌پردازد. بر این اساس، محقق اصلی (ا.م.ح.) پس از اخذ مجوزهای پژوهشی و اخلاقی لازم برای ورود به محیط پژوهش، با استفاده از راهبردهای نمونه‌گیری غیراحتمالی (هدفمند) مشارکت‌کنندگان را به شیوه گلوله برفی انتخاب و جذب کرد. تیم مطالعه برای این که قادر باشد اطلاعات غنی و مبسوطی جمع‌آوری کرده و فرایند تحلیل داده‌ها را شروع کند، معیارهایی برای ورود مشارکت‌کنندگان به مطالعه در نظر گرفتند که شامل دارا بودن اطلاعات غنی، تجربیات زیسته و توانایی بیان تجربه‌های خود در زمینه ورزش زورخانه و عیاری، تمایل به شرکت داوطلبانه و فعالانه، دارا بودن قدرت بحث نظری، تأمل/بازاندیشی و دارا بودن زمان کافی برای شرکت در مصاحبه بود. به‌طور مشخص‌تر مشارکت‌کنندگان این مطالعه شامل آن دسته از پهلوانان صاحب نظر و باسابقه ای بودند که هم از نظر عملی و هم نظری با فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم زورخانه و عیاری آشنایی کامل داشتند و یا پژوهشگران و صاحب نظرانی بودند که دارای سابقه پژوهش درباره ورزش زورخانه و فرهنگ عیاری بودند. در این پژوهش، فرایند انتخاب و جذب مشارکت‌کنندگان، با مصاحبه ابتدایی با یک مطلع کلیدی صاحب زنگ آغاز شد و سپس از ایشان خواسته شد که افرادی که ممکن است برای مصاحبه مناسب باشند را به ما معرفی کند و نمونه‌گیری به شیوه گلوله برفی تا جایی و زمانی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری برسد. بعد از انجام مصاحبه پانزدهم داده‌ها به اشباع نظری رسید ولی برای اطمینان و استحکام بیشتر تا مصاحبه نوزدهم ادامه یافت. نهایتاً مدل تحقیق با چند متخصص مرور و اعتبارسنجی شد. در مجموع، نوزده مصاحبه با خبرگان و متخصصان انجام شد. ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در این مطالعه جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در این مطالعه

نام مستعار	سابقه ورزش پهلوانی (سال)	تحصیلات	سن	شغل	محل اقامت (شهر)
۱ آسیدمرتضی پهلوان	۷۰	اجتهاد	۹۸	روحانی	اصفهان
۲ باقر پهلوان	۶۰	سیکل	۹۳	بازنشسته	تبریز
۳ پهلوان حبیب	۶۰	سیکل	۹۰	بازنشسته	تبریز

۴	یداله پهلوان	۶۰	سیکل	۸۹	شغل آزاد	قم
۵	پهلوان عبدالله	۷۰	دیپلم	۹۱	بازنشسته	قم
۶	پهلوان مسعود	۵۵	دیپلم	۷۳	بازنشسته	سقر
۷	پهلوان عبدالرحمان	۵۰	دیپلم	۷۲	بازنشسته	کردستان
۸	عبدالصمد	۵۰	اجتهاد	۶۹	روحانی	تهران
۹	آسید عبدالرحیم	۶۵	دیپلم	۹۱	بازنشسته	کردستان
۱۰	عبدالکریم	۵۰	فوق لیسانس	۷۰	بازنشسته	تهران
۱۱	محمد	۵۰	فوق لیسانس	۶۵	شغل آزاد	تبریز
۱۲	صمد	۲۰	فوق لیسانس	۳۴	شغل آزاد	تبریز
۱۳	حمید	۳۵	فوق لیسانس	۵۰	شغل آزاد	مشهد
۱۴	رسول	۲۱	فوق لیسانس	۳۶	شغل آزاد	مازندران
۱۵	صادق	۲۲	فوق لیسانس	۳۵	شغل آزاد	لرستان
۱۶	امیر	۲۵	دکتری	۴۳	هیئت علمی	تهران
۱۷	وحید	۲۵	دکتری	۴۷	هیئت علمی	تبریز
۱۸	جواد	۲۰	دکتری	۳۹	هیئت علمی	تبریز
۱۹	مصطفی	۲۰	دکتری	۳۷	هیئت علمی	تبریز

داده‌ها و نحوه گردآوری آن‌ها: در این مطالعه از یک مصاحبه نامه کیفی نیمه‌ساخت‌مند برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب که در ابتدا سوالات تحقیق به جای آن‌که به شکل فرضیه‌های خاص مطرح شوند، به صورت کلی مطرح شدند و با پیشرفت روند مصاحبه‌ها سوالات جزئی‌تر و دقیق‌تر طرح شد. در این مطالعه محقق اصلی (ا.م.ح.) که خود دست‌کم چهار دهه تجربه زیسته و کندوکاو در ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی دارد تمامی مصاحبه‌ها را هدایت نمود. اتخاذ این رویه باعث شد تا او بتواند اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های پیشین را در مصاحبه‌های بعدی به کار ببندد، چراکه هدف از انجام مصاحبه‌ها فهم و تبیین پیچیدگی‌ها و ابعاد مختلف ورزش زورخانه بود. پیش از انجام مصاحبه، از طریق تماس تلفنی یا ایمیلی هماهنگی‌های لازم با مصاحبه‌شوندگان انجام می‌گرفت. بیشتر مصاحبه‌ها به زبان فارسی و ترکی آذربایجانی در منزل افراد ترتیب داده شد و در حین مصاحبه صحبت‌های افراد با اجازه قبلی به صورت کامل ضبط شد. بیشتر زمان مصاحبه‌ها به شناسایی مفهوم و ابعاد کلی زورخانه، خاستگاه، تاریخ و فرهنگ، آداب و رسوم و کردار پهلوانان و عیاران اختصاص یافت. یکی از وظایف کلیدی در انجام و مدیریت مصاحبه‌ها، قرار دادن مصاحبه‌شوندگان در شرایطی بود که بتوانند آزادانه دانش و بینش و گرایش خود را درباره موضوع تحقیق در اختیار محقق قرار دهند. در فرایند گردآوری داده‌ها سعی می‌شد تا جایی که امکان داشت بلافاصله پس از اتمام مصاحبه‌ها پیاده‌سازی صورت گرفته و کدگذاری و استخراج مضامین انجام شود. فرآیند

گردآوری و تجزیه و تحلیل همزمان و ازسرگیرانه داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که دیگر هیچ گونه داده یا مقوله جدیدی پیدا نشد (حصول اشباع) و نهایتاً روند جمع‌آوری داده‌ها متوقف شد.

اعتبار و استحکام نتایج

در این مطالعه، جهت افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق صورت گرفت و همچنین واری مکرر اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت آن‌ها توسط محققان صورت گرفت. بنا بر پیشنهاد چارمز (۲۰۱۴) و چارمز و ثورنبرگ (۲۰۲۰)، از معیار تضمین کیفیت "قابلیت اتکاء"^۱ برای ارزیابی استحکام داده‌ها و نتایج و روش اجرای تحقیق استفاده شد و از طریق تلاش در اطمینان از انتخاب داده‌های شایسته تحلیل، مقایسه نظام‌مند و مداوم میان داده‌های حاصل از منابع چندگانه، مستندسازی و گزارش دقیق و مفصل داده‌ها انجام گردید. برای اطمینان از پایایی و دقت تحقیق حاضر از فرمول درصد توافقات نیز استفاده شد. برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک فرد آگاه درخصوص روش کیفی درخواست شد تا به عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. سپس به عنوان نمونه، سه مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده و درصد توافق درون-موضوعی ۸۷ درصد محاسبه گردید.

آنالیز داده‌ها و استخراج مضامین

روش کدگذاری طبق رویکرد هم‌ساخت‌گرایانه چارمز دست کم شامل دو مرحله یا فاز است: کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز. همچنین، در این رویکرد از کدگذاری یا نمونه‌گیری نظری برای فرم بخشیدن به کدهای متمرکز استفاده می‌شود. در واقع، فرایند کدگذاری چارچوب تحلیلی و اسکلت‌بندی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها را فراهم می‌کند و مسائل، موضوعات، دغدغه‌ها و مضمون‌های مهم مورد مطالعه را برجسته می‌سازد (چارمز، ۲۰۱۴). نمونه‌گیری نظری در تمامی رویکردهای نظریه داده بنیاد از جمله رویکرد هم‌ساخت‌گرایانه چارمز یک روش یا فرایند محوری است که به محقق اجازه می‌دهد سرنخ‌هایی که در حین تحلیل ظاهر می‌شود، شناسایی و پیگیری کند. نمونه‌گیری نظری به معنی فرآیند کاوش و جمع‌آوری داده‌های مناسب برای شرح دقیق و تلطیف/پالایش طبقه‌های کلیدی است که مدل نظری را شکل می‌دهند و برای بسط دادن به ویژگی‌های طبقه و دامنه تغییرپذیری آن انجام می‌شود تا رسیدن به اشباع نظری یا زمانی که طبقه‌ای با ویژگی‌های جدید در خلال جمع‌آوری داده‌ها خلق نشود، در سراسر فرآیند پژوهش ادامه می‌یابد. به بیان دیگر، درگیری در نمونه‌گیری نظری، محقق را وادار می‌دارد که کجا و چطور می‌تواند داده‌های مورد نیاز را برای تکمیل طبقه‌های مفهومی در ابعاد/ویژگی‌های آن و نیز پر کردن شکاف‌های تحلیل جستجو کند (چارمز، ۲۰۱۴).

در این مطالعه، نمونه‌گیری نظری بر اساس طبقه‌های مفهومی اولیه شروع شد. این یافته‌ها و مضامین به دفعات با نظر تیم پژوهش بازآزمایی و ویرایش شد و تعدیل و تغییر یافت. سپس، نمونه‌گیری نظری با ظهور بیش‌تر طبقه‌های مفهومی اولیه و کدهای متمرکز طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بر اساس طبقه‌ها و زیر طبقه‌های مهم تا پایان مصاحبه نوزدهم ادامه یافت. به منظور رعایت نمونه‌گیری با بیش‌ترین تنوع و دامنه‌ی تغییرپذیری در طول فرایند پژوهش، مشارکت‌کنندگانی با دیدگاه‌های متفاوت درباره زورخانه و عیاری، و نیز متفاوت از نظر سن، محل سکونت، زبان مادری و قومیت، شغل و تحصیلات در محیط پژوهشی ایران زمین انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش و تفسیر آن‌ها

داده‌های بدست آمده، به روش کدگذاری نظریه داده‌بنیاد با رویکرد چارمز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جدول ۲، نمونه‌ای از نکات کلیدی استخراج‌شده از منابع مصاحبه‌ها و بررسی متون را نشان داده است.

جدول ۲. نمونه استخراج نکات کلیدی از مصاحبه‌ها

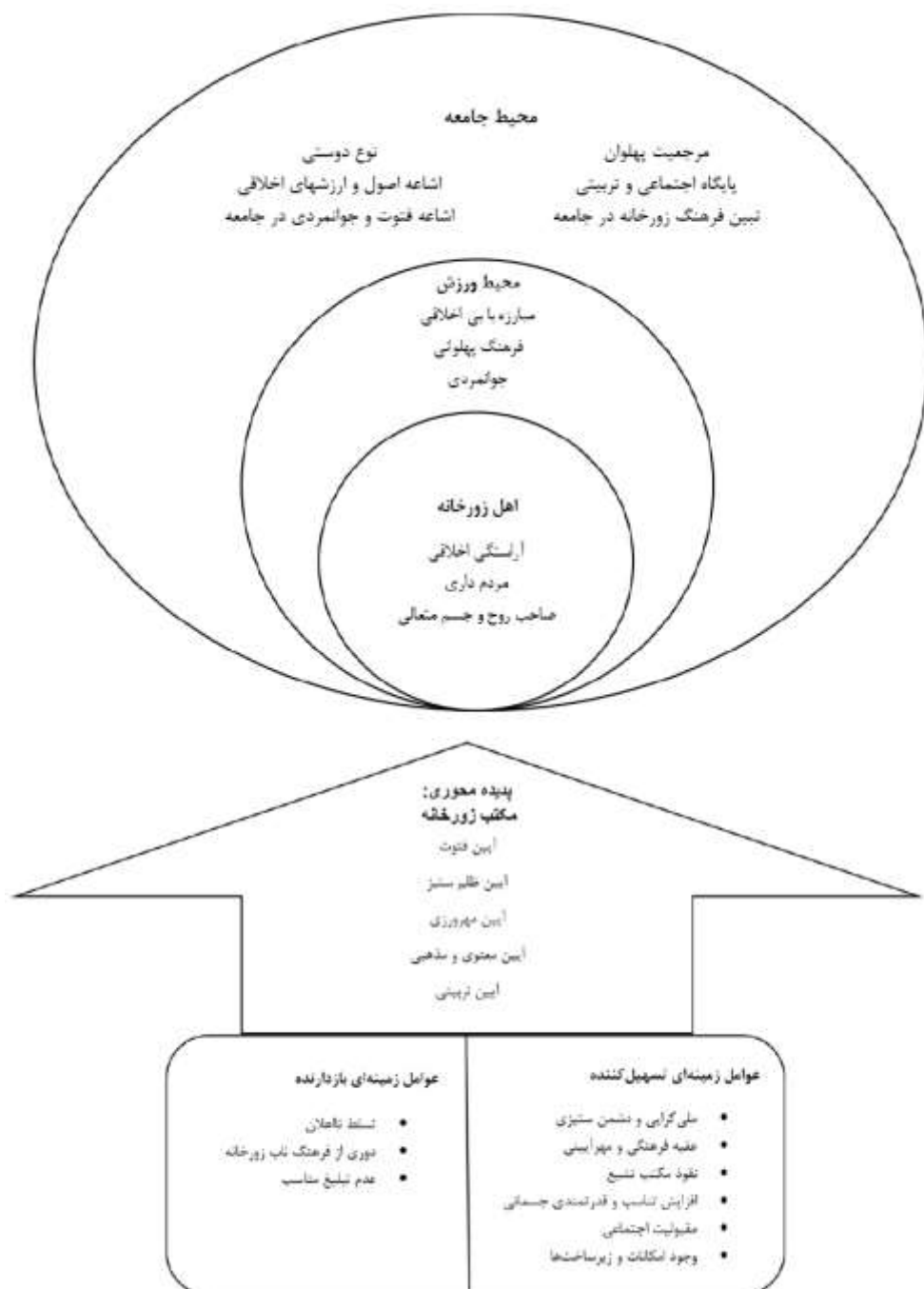
نشانیگان	نکات کلیدی داده‌ها
KhB-2/ SO-6	عامل تشکیل زورخانه مبارزه با اعراب غاصب
SM-7	عامل اصلی مبارزه با اشغالگران و غاصبان
DO/MH-1	تأسیس زورخانه پس از تسلط اعراب به لحاظ سیاسی و نظامی
DO/TM-2	پیدایش نهاد زورخانه به مقتضی زمان پس از تسلط اعراب
DO/TM-1	تأسیس زورخانه برای مقابله با اعراب و مغولان تجاوزگر
DO/BF-1	زورخانه بصورت مخفی گاه‌هایی در زیرزمین‌ها تشکیل شد
DO/AG-1	نهضت‌های دسته جمعی برضد اعراب
DO/SA-2-	جنبش عظیم بیداری جوانان جهت مبارزه با اعراب
DO-8/SA-1/ SM-7	تشکیلات محرمانه در زورخانه جهت مبارزه با دشمنان و پشت پرده استتار زورخانه
AG/ ShS-9/DO	تأسیس حکومت پهلوان عبدالرزاق باشتینی سرداران
AG/ MM-1/DO	نهضت سرداران در زمان استیلای مغولان
SA/DO	بعد از حمله مغول تشکیلات مخصوص جهت مبارزه در تمام نقاط کشور
ShS-9/ DO/MA-1	حراست از میهن در مقابل دشمنان و پیکار در راه وطن و بیدادگران
ShS-9/ DO/PH-1	پاسداری از کیان ایران و زورخانه محل تمرین برای جنگ و مقاومت
kHb-2/ ShS-9/ SO-6	محل شکل‌گیری جنبش‌های رهایی‌بخش
AS-8 /MM-1	مقابله با سلاطین جور و ستم

در نخستین مرحله کدگذاری که کدگذاری اولیه نامیده می‌شود پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را باز شناسد. در این مرحله از تحقیق، از حدود ۱۲۰۰ جمله پیاده‌سازی شده از مصاحبه‌ها، بعد از حذف موارد تکراری و غیر مرتبط حدود

۵۶۰ نکته کلیدی از این داده‌ها به دست آمد که در قالب ۷۲ کد اولیه استخراج شد. بعد از اینکه کدگذاری اولیه انجام شد و مسیرهای تحلیلی لازم به وجود آمد، آنگاه کدگذاری متمرکز درباره کدهای اولیه تصمیم می‌گیرد و به تحلیل‌هایی که مقوله‌بندی داده‌ها دارند، به صورتی کامل و نافذ، معنا می‌دهد. در این مرحله مقوله‌های به دست آمده در مرحله قبلی به ۶ کد متمرکز تبدیل شد که لیست آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج مربوط به کدگذاری متمرکز

مقوله‌ها	کد متمرکز شده
ملی‌گرایی و دشمن‌ستیزی عقبه فرهنگی و مهرآیینی نفوذ مکتب تشیع افزایش تناسب و قدرتمندی جسمانی مقبولیت اجتماعی وجود امکانات و زیرساخت‌ها تسلط ناهلان	عوامل زمینه‌ای تسهیل‌کننده
دوری از فرهنگ ناب زورخانه عدم تبلیغ مناسب آیین فتوت آیین ظلم ستیز آیین مهرورزی آیین معنوی و مذهبی آیین تربیتی آراستگی اخلاقی مردمداری	عوامل زمینه‌ای بازدارنده
صاحب روح و جسم متعالی مبارزه با بی‌اخلاقی فرهنگ پهلوانی جوانمردی نوع‌دوستی	پدیده محوری مکتب زورخانه
اشاعه اصول و ارزش‌های اخلاقی تبیین فرهنگ زورخانه در جامعه مرجعیت پهلوان اشاعه فتوت و جوانمردی در جامعه پایگاه اجتماعی و تربیتی	اصحاب زورخانه محیط ورزش جامعه



شکل ۱. مدل نهایی برای تبیین فرایند شکل‌گیری ورزش زورخانه و عیاری

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به کدگذاری نظری و مضامین استخراج شده در این مطالعه می‌توان مؤلفه‌های زیر را در توسعه مدل و تبیین فرایند اجتماعی- فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش مکتب زورخانه‌ای در ایران شناسایی و تحلیل کرد: الف) پدیده محوری: (کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌های جاری در فضای زورخانه)؛ ب) عوامل زمینه‌ای یا شرایط اثرگذار بر کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌ها که بخشی از آن‌ها تسهیل‌کننده و بخشی دیگر بازدارنده هستند؛ و ج) پی‌آیندها و آثار کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌ها در فضای زورخانه و عیاری که شامل؛ فضای حاکم بر زورخانه، فضای حاکم بر محیط ورزش به‌عنوان یک محیط بینابین و جامعه به‌عنوان محیط کلان است.

عوامل زمینه‌ای مؤثر کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌ها

الف) مؤلفه‌های مربوط به عوامل زمینه‌ای / بافتاری تسهیل‌کننده: عوامل زمینه‌ای تسهیل‌کننده

عیاری و ورزش زورخانه در ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- جنبش‌های رهایی‌بخش که به‌عنوان اصلی‌ترین زیرساخت‌های عقیدتی و بنیان فکری و جهان‌بینی ایرانیان در دوران باستان و فلسفه مبارزه حق علیه باطل (نور و ظلمت) که در قالب اهورامزدا و اهریمن دو قطب این فلسفه جهان‌بینی را تشکیل می‌داد و بعد از ظهور اسلام در کسوت آیین فتوت و جوانمردی و مبارزه بی‌امان با متجاوزین نمود یافت. بطوریکه، پس از تسلط اعراب بر ایران و اعمال فشار و محدودیت‌های حاصل از سیاست خلفای اموی برای حضور رسمی جوانان ایران در میدان سوارکاری، تیراندازی، شمشیربازی و شکار؛ زورخانه اصلی‌ترین محل تمرینات مردان جنگی برای آمادگی جسمانی برای مقابله با متجاوزان در میدان جنگ بود.

۲- عقبه فرهنگی و مهرآیینی: منشأ ورزش زورخانه در ریشه‌های آیین مهرپرستی نیز قابل مشاهده است و علاوه بر آیین مهری، شباهت‌هایی نیز بین ورزش زورخانه و دین زردشت وجود دارد از جمله اهمیت دادن به قدرت بدنی، واژه کشتی (شال بند مقدس زردشتیان) که در زورخانه‌ها هنوز هم متداول است و بیانگر جایگاه بی‌به‌دلیل زورخانه در ذهن تاریخی ایرانیان می‌باشد.

۳- نفوذ مکتب تشیع و بطور خاص مرجعیت تام فکری، کرداری، الهامی و ظاهری حضرت علی (ع): مذهب تشیع در زورخانه حلول نموده است (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲؛ منتظرالقائم و حقی، ۱۳۹۷). در بسیاری از موارد، تأثیر مذهب تشیع بر زورخانه‌ها و آیین‌های مربوطه حتی رفتار، شکل و شمایل پهلوانان، نام‌ها و اصطلاحات در دیوار زورخانه قابل مشاهده است.

۴- افزایش تناسب و قدرتمندی جسمانی: یکی از عوامل اثرگذار در گرایش به ورزش زورخانه قدرت مادرزادی و برخورداری از فیزیک مناسب جسمانی است. در جامعه امروزی هم بحث تناسب اندام هم به لحاظ تندرستی و هم زیبایی‌شناختی مورد توجه است.

۵- مقبولیت اجتماعی محیط زورخانه و روابط حاکم بر آن که حول محور اعتماد شکل می‌گیرد و این حس اعتماد نسبت به پهلوان به مرید و مرادی می‌انجامد. به تبع آن برای پهلوان جایگاه والای معنوی قائل بودند و متعقدند دعای پهلوان مقبول درگاه خداست. محبوبیت و مقبولیت پهلوان حاصل رعایت اصول و آیین‌های فتوت و جوانمردی و انجام کارها برای رضای خداست.

۶- وجود امکانات و زیرساخت‌های لازم برای ترویج ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی به عنوان نماد هویت ایرانی-اسلامی بیشتر از اینکه ورزش باشد یک مکتب اخلاقی است. به این دلیل، پس از انقلاب ۱۳۵۷ ساخت زورخانه از طرف دولت در کشور و حتی در خارج از کشور از نظر کمی رشد قابل قبولی داشته است.

ب) مؤلفه‌های مربوط به عوامل زمینه‌ای/بافتاری بازدارنده: عوامل زمینه‌ای بازدارنده پدیده عیاری و ورزش زورخانه در ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- حضور و استیلای ناهلان، نامحرمان و غیرمتخصص‌ها در ورزش زورخانه: رخنه لوطی‌گری و ظاهرسازی، پهلوان‌نمایی و سطحی‌نگری به زورخانه و خدشه‌دار کردن قداست آن. از اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار آثار انحطاط در ورزش زورخانه ظاهر شد و آخرین کهنه سواران و رادمردان فکری و عقیدتی یعنی؛ گروه‌های اصیل اجتماعی زورخانه را از میان برمی‌داشت، تا زورخانه به جای پروراندن پهلوان، جوانمرد و اهل فتوت؛ غول بدکار و جیره‌خوار، اوباش، لوطی، بزن بهادر پرورش دهد. در واقع پهلوانان نامدار جای خود را به گروهی از اوباش‌ها که عنوان جاهل را یدک می‌کشیدند، دادند و در مواقعی با اعمال ضد ارزش اجتماعی خود باعث ناامنی، بدنامی و خدشه‌دار کردن قداست ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی شدند.

۲- دوری از فرهنگ ناب زورخانه در ساحت ورزش مدرن: نظر به اینکه شالوده ورزش مدرن در نظام ورزشی ایران نیز نه بر اساس پهلوان پروری بلکه بر اساس قهرمان‌پروری و مدال‌آوری طراحی شده است. باتوجه به حاکم بودن فلسفه برد (برد به معنای همه‌چیز) و یا ایده‌ال افلاطونی که در آن ورزشکار و تیم برنده ستایش می‌شود، غایت این نگرش قهرمان‌سازی و قهرمان شدن است و اصالت با ورزشکار و تیم برنده است. در این راه همانند سیاست ماکیاوولی هنگامی که هدف وسیله را توجیه می‌کند همه چیز از جمله اخلاق قربانی فلسفه برد و اصالت منفعت خواهد شد. لاجرم، حاکمیت آداب و ارزش‌های والای انسانی و منش پهلوانی در آن تشکیلات دور از انتظار خواهد بود. مدل ورزش قهرمانی و حرفه‌ای که امروزه به صنعت ورزش تبدیل شده است همانند مکتب مرکانتیلیسم، اصالت را به منفعت و سود بیشتر می‌دهد. بنابراین ماده‌گرایی، سودجویی و بردگرایی از موانع مهمی است که سبب می‌شود ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی مانند سلامتی، حس مشارکت، نظم، رهایی از فشارهای روانی،

ایثار، اعتماد به نفس، همبستگی، دوستی و یکرنگی در ورزش کمرنگ شوند. آنچه در المپیک نوین علی‌رغم هدف‌گذاری اولیه احیا آن شاهدش هستیم.

۳- عدم تبلیغ مناسب و حتی تبلیغ ناثواب رسانه‌ای و تمرکز آن‌ها بر ورزش‌های نوین و پول‌ساز: امروزه، انسان‌ها در معرض نهادهای رسانه‌ای متولد می‌شوند، می‌اندیشند، دنیا را از این منظر می‌بینند و اعمال خود را بر اساس الگوهای برگرفته از کتاب، مجله، روزنامه، فیلم، ماهواره، تلویزیون، رادیو و اینترنت سامان می‌دهند. رسانه‌ها با ترغیب، تشویق، تبلیغ و حتی ارباب و نفوذ و تأثیرگذاری عمیق مخاطبان را وا می‌دارند تا به قواعد دلخواه صاحبان رسانه اعتقاد پیدا کنند. جاذبه‌های تبلیغاتی بسیاری از ورزش‌های نوین و سهم عمده پخش رسانه‌ای آن‌ها، ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی از دایره توجه عمومی خارج کرده و بین ورزش‌های ایرانی و فرزندان ایران زمین گسست ایجاد کرده است.

مؤلفه‌های پدیده محوری (کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌های جاری در فضای زورخانه)

طبق کدها و مضامین استخراج شده، پدیده محوری این مطالعه را می‌توان مکتب زورخانه (زورخانه به مثابه مکتب) نام برد که دارای نظام منسجم ارزشی - رفتاری است و مطابق کدهای حاصل بر پنج ضلع آیینی^۱ استوار است که مشتمل بر؛ ۱- آیین فتوت، ۲- آیین ظلم ستیز، ۳- آیین انسان‌ساز، ۴- آیین معنوی و مذهبی و ۵- آیین تربیتی است. آیین زورخانه‌ای را به هر آیینی نسبت بدهیم؛ خواه آیین مهرپرستی، آیین زرتشتی، آیین عیاری، آیین عرفانی و تشیع، همگی به یک افق مشترک می‌رسند و آن آیین فتوت و جوانمردی است. مکتب فتوت و جوانمردی عشق، کنش، منش و رفتار فردی و اجتماعی پهلوانان است که در فطرت انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است. از جمله تکالیفی که بنا بر محبت و به فرمان عشق اجرای آن بر عهده انسان گذاشته شده است، عمل به آیین فتوت و جوانمردی است (کوربین^۲، ۱۳۸۳ و ۱۹۸۹). زورخانه از نظر لغوی به معنای مکان زورآزمایی است که ورزشکاران و پهلوانان خود را با آلات مشابه جنگی برای رزم آماده می‌کنند. اما در بُعد معنوی، زورخانه مکتبی تربیتی برای آموزش ویژگی‌های والای اخلاقی و تربیت معنوی برای پیروان خود است. در این ورزش صرفاً تقویت و سلامت جسم مطرح نبوده بلکه سلامت روح و روان و تربیت مذهبی و اخلاقی و آراستگی به شعار مذهبی و سخت کوشی عرفانی نیز مورد توجه ویژه است (خالدیان، ۱۳۹۷). علاوه بر این، بررسی‌ها نشان می‌دهد، برخی از صفات پهلوانی برگرفته از علائم و نشانه‌های کالبدی زورخانه است. برای مثال، کوتاهی درب و گودی گود مقدس زورخانه، سجایا و صفاتی نظیر تواضع و فروتنی را در اصحاب زورخانه و عیاران ایجاد می‌کند (افسریان، ۱۳۹۵). علاوه بر این، طبل و زنگ

^۱ -Ritual

^۲ -Corbin

همراه دعا، نیایش و اذکار با اشعار حماسی و عرفانی تداعی‌کننده طبل رزم؛ حس وطن‌پرستی، شجاعت و معنویت را در ورزشکاران تقویت کرده و نقوش لباس پهلوانان (بوته) نماد درخت مقاوم سرو است که منش ایستادگی را در ورزشکاران باستانی تقویت می‌کند. جایگاه افراد در زورخانه نیز تابعی از سنت احترام به بزرگان و پیشکسوتان است. مرشد بالاتر در ارتفاع بالاتر (سردم) از دیگران قرار می‌گیرد. میاندار در میان گود روبه روی مرشد قرار می‌گیرد. سپس سالمندترین فرد از میان ورزشکاران در پای سردم قرار می‌گیرد. زورخانه دارای دو ساحت درهم تنیده بیرونی (جسمانی) و درونی است. زورخانه از آن جهت جسمانی است که با ابزارهای نمادین شبیه آلات جنگی دوران باستان جسم ورزشکاران را پرورش می‌دهد. در مقابل درونی است چون معطوف به کنش‌های جوانمردانه است و این بعد ورزش زورخانه آن را به ورزشی فرا ورزش بدل کرده و در واقع از آن مکتبی انسان‌ساز و خرده‌فرهنگ ساخته است. آمیزش حرکات ورزشی زورخانه با اشعار و شعایر مذهبی و اخلاقی مؤید این است که در زورخانه صرفاً هدف پرورش جسمانی نیست بلکه هدف اصلی تعالی روح و روان و نوعی سیر و سلوک عرفانی و معنوی برای خلوص و صیقل خوردن درونی و بیرونی انسان و پرورش انسانی عیار است. همین ویژگی، زورخانه را به رکنی مذهبی و مکانی مقدس و خاص بدل کرده است.

پهلوانان در مکتب و گود مقدس زورخانه علاوه بر برخوردار بودن از قدرت بدنی و ظرفیت‌های معنوی، ارزش‌های والای انسانی و منش پهلوانی را چنان در خود نهادینه و درونی می‌کنند که در بحران‌ها و سختی‌های زندگی مقاوم و در آزمایش‌های الهی خود را نیازد. از دیگر ویژگی‌های شگفت‌انگیز زورخانه، آیین مهرورزی است که بر نوعی آرمان‌گرایی اجتماعی و نوع دوستی استوار است. برای نمونه، از قدیم‌الایام سفره‌داری و احسان از اصول اساسی زندگی پهلوانان و عباران بوده است و حق سفره در زمره مهم‌ترین امتیازات صاحبان بازوبند پهلوانی بوده است. همچنین، در عید غدیرخم در کنار مراسم گلریزان پهلوانان و ورزشکاران در زورخانه عقد اخوت جاری می‌کردند. یکی از دیگر سجایا و خصیصه‌های بارز پهلوانی و عیاری امانت‌داری از هر دو نوع مادی و معنوی است (برای مثال، از بعد مادی سپردن اشیاء گران‌قیمت و از جنبه معنوی سپردن خانواده و ناموس بسیار رایج بوده است). وحدت در سلوک و عدم وجود شکاف در اخلاق نظری و عملی از ویژگی‌های دیگر عیاران و اصحاب زورخانه است. نسبت نوچه‌ها به کهنه‌سوار به مثابه مرید و مرادی است و پیوستگی و یکپارچگی چشمگیری در اخلاق نظری و عملی و فرایند جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های متعالی به اصحاب جوان‌تر زورخانه وجود دارد (یاسینی، ۱۳۹۴). طبق ارزش‌ها و آیین‌های تربیتی مکتب زورخانه، حساسیت و عاملیت پهلوانان پیشکسوت در تربیت نوچه‌ها و شاگردان از دیدگاه پهلوانان یک فریضه بوده و به تبع آن کهنه‌سواران تلاشی خسته‌ناپذیر در انجام رسالت اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی و فرهنگی و سجایای اخلاقی نوچه‌ها داشتند (موتاب، ۱۳۷۷).

مؤلفه‌های مربوط به پی‌آیندها و آثار کنش‌ها، واکنش‌ها و برهم کنش‌ها در فضای زورخانه، ورزش و جامعه

مطابق کدهای استخراج شده، پی‌آیندها ورزش زورخانه را می‌توان در سه محیط و یا فضای زورخانه، ورزش و جامعه تلخیص و توصیف کرد.

از حیث پی‌آیند، آیین‌ها و کردارها مرسوم در ورزش زورخانه و در میان ورزشکاران آن و اثربخشی آن در ارتقاء و تقویت ابعاد روحی و جسمی اصحاب آن، زورخانه را از یک مکان صرفاً ورزشی فراتر برده و به یک مکتب بدل کرده است، بطوری که عده‌ای بر این باورند که اگر مسجد خانه خداست، پس زورخانه خانه حضرت علی (ع) است. آموزه‌های تربیتی و رزمی در آیین‌های اجرایی زورخانه (اذکار، دعا و نیایش، اشعار حماسی و عرفانی، آیین گلریزان و دستگیری از ضعفا و فقرا) در زورخانه نهادینه شده و بازتولید می‌شود و جملگی این ویژگی‌ها زورخانه را در پیوستاری از مکتب تا یک خرده‌فرهنگ ممتاز و منحصر به فرد صورت‌بندی می‌کند. کردارها و کنش‌های معمول و مختص در زورخانه با تکرار و تمرین در افراد نهادینه می‌شود و این تأثیرگذاری آنقدر عمیق است که به منش، بینش و روش عیاران و ورزشکاران زورخانه در اجتماع و میان مردم نیز شکل و رنگ خاصی می‌بخشد. در نتیجه، زورخانه نه تنها مکانی برای ورزش و فعالیتی ورزشی است بلکه حتی یک منبع هویتی است که بخش‌های مختلف آن در هماهنگی با یکدیگر به خلق هویت پهلوانی می‌پردازد (امینی‌زاده، ۱۳۹۲)، هویتی که برای جامعه کارکردهای اجتماعی متنوعی از قبیل یاری‌گری، دست‌گیری و انسجام و تعلق اجتماعی را می‌تواند به ارمغان بیاورد. تبدیل‌شدن به گروه مرجع (مدل نقشی) و داشتن احساس خوشایند (خوداثربخشی) از سوی اصحاب زورخانه که با کردارهای مبتنی بر آیین فتوت و جوانمردی حاصل می‌شود، زمینه‌الگوپذیری جوانان از پهلوانان را ایجاد می‌کند. پهلوانان بطور بالقوه گروه مرجعی هستند که نه تنها نقش مؤثر در سالم‌سازی جامعه از ناهنجاری‌های اخلاقی را دارند بلکه می‌توانند تفاخر ملی و حس وطن‌پرستی و توجه به اعتقادات دینی و ارزش‌های انسانی را در میان جوانان جامعه گسترش دهند.

در سطح ورزش و در میان اهالی ورزشی زورخانه می‌تواند منبعی برای مدیریت و درمان فساد، بی‌اخلاقی و بی‌انصافی در ورزش باشد چون زورخانه بیش و پیش از هر چیز دیگری مبتنی بر منش پهلوانی و آیین فتوت و جوانمردی از جمله گذشت، فروتنی، پرهیزکاری، عدالت، صفا و ادب است. بدین جهت ورزش زورخانه‌ای برخلاف ورزش‌های دیگر دارای آداب و رسوم خاص خود بوده و به عنوان عاملی برای ایجاد صفات ممتاز، روحیه فداکاری، پشتکار، مقاومت و خود انضباطی در ورزشکاران حرفه‌ای می‌باشد و می‌تواند بر اقدامات و تصمیمات فردی و اجتماعی آن‌ها اثرگذار بوده و در تصمیم‌ها، قضاوت‌ها و مخمصه‌های اخلاقی آن‌ها در موقعیت‌های کاربردی زندگی روزمره‌شان نقش اساسی را داشته باشد. همچنین، مکتب زورخانه می‌تواند منبعی برای فهم، مدیریت و برخورد با فساد، وندالسیم (آشوب و خرابکاری)، خشونت و اغتشاش در ورزش، پیشگیری از انحراف از ارزش‌های ورزشی از جمله

دوپینگ، خشونت، فریب در ورزش، رشوه‌خواری، بازی ناجوانمردانه، قانون‌شکنی، نژادپرستی، تبعیض-ها و مزیقه‌های اجتماعی و جنسیتی و مسائل زیست‌محیطی بوده و در جهت اشاعه غایت‌ها و ارزش‌های المپیک باشد.

از منظر فلسفی (فلسفه ورزش)، ورزش همراه با ارزش‌های والای انسانی به عنوان عاملی برای ایجاد و تقویت صفات و سجایای ممتاز انسانی و اخلاقی از جمله روحیه فداکاری، پشتکار، مقاومت و خود انضباطی است چراکه تهذیب اخلاق ورزشکاران و ترویج اخلاقیات عمومی در جامعه (نظم اخلاقی به تعبیر امیل دورکیم جامعه‌شناس کلاسیک فرانسوی) در زمره مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف و ارزش‌های ورزش است. در شرایطی که ورزش‌های حرفه‌ای و مدرن تا حد چشمگیری از مسائل، بحران‌ها و خلاءهای اخلاقی از جمله دوپینگ و بازی ناجوانمردانه در تمامی سطوح و حوزه‌های ورزشی (برای مثال، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌های جهانی، میادین ورزشی) رنج می‌برد، ورزش زورخانه، بطور مشخص، از برپایی فضا و بستر و ارزش‌هایی صحبت می‌کند که اخلاق و انصاف ورزشی در خلق و خوی ورزشکاران نهادینه شود.

و در نهایت، با عنایت به کدهای استخراج شده، ورزش زورخانه آثاری در سطح کلان جامعه هم دارد (پی‌آیندهای مکتب زورخانه بر جامعه) که آن جمله می‌توان به تأثیر آن بر اشاعه اخلاقیات عمومی و امنیت اجتماعی اشاره کرد. عدم وجود شکاف در اخلاق نظری و عملی در مکتب و خرده فرهنگ زورخانه می‌تواند اهمیت این مکتب را در احیاء و ترمیم شکاف بین اخلاق نظری و عملی در جامعه کنونی ایران نشان دهد. همچنین تجدید پیمان دوستی و اخوت و امانت‌داری مورد تصریح در فرهنگ عیاری می‌تواند به اشکال مختلف در ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی از جمله در جلب اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و مشارکت مردم و تقویت احساس مسئولیت و تعلق اجتماعی و پاسخگویی در برابر مردم مؤثر باشد. از منظر دیگر، ماهیت و نیروی اصلی شکل‌گیری زورخانه کاملاً مردمی بوده که در آن وظیفه اصلی پهلوانان و عیاران حمایت از مظلوم، جلوگیری از ستم ستمگران و تأمین امنیت محله‌ها و شهرها بوده و در مقابل وظیفه تجار، پیشه‌وران و پیلهوران حمایت مالی از زورخانه بوده است. بر اساس همین حاکمیت مردمی بر زورخانه، آداب و رسوم و منش پهلوانی که مبتنی بر آیین فتوت و جوانمردی (شجاعت، سفره‌داری، مظهر احقاق حق، سنگ صبور قشر ضعیف، تکیه‌گاه قابل اعتماد مردم، ایستادگی در برابر ظلم و مقابله با ستم و ستمگر) بود، بین عامه مردم و اجتماع عمدتاً بصورت خودجوش گسترش می‌یافت. ورزش پهلوانی آمیخته به خصلت «فداکاری» و «جوانمردی» و مشتمل بر صدق و صفا، فروتنی، خودشکنی و پرهیز از خودخواهی، خودبینی و سفر باطنی به مرزهای حق‌پرستی، حق‌جویی و حق طلبی است و این آموزه‌های فردی و اجتماعی پیوسته در متن زندگی پهلوانان در جامعه جاری و ساری بوده است (انصاف‌پور، ۱۳۵۳؛ مواتب، ۱۳۷۷).

من حیث المجموع، قرار گرفتن ورزش زورخانه در صراط مستقیم و مدیریت آن توسط اصحاب واقعی، کاردان، متعهد و اهل آن و حرکت در راستای بسط و گسترش سجایای اخلاقی و ارزش‌های

والای انسانی و آداب پهلوانی و عیاری و تفهیم و برگردان آن به تمامی عناصر و سطوح و مناسبات موجود در نظام ورزش کشور مستلزم تبیین درست از تبیین فرایند اجتماعی- فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش و خرده فرهنگ زورخانه در ایران است که در واقع این مطالعه تلاشی بود در این راستا و توسعه مدلی برای فهم و صورت‌بندی آن.

در باب محدودیت‌هایی که در انجام تحقیق حاضر وجود داشت، می‌توان گفت که به رغم تجربه- زیسته و آشنایی محقق اصلی (ا.م.ح.) با مطلعین کلیدی و مشارکت‌کنندگان؛ به علت توزیع جغرافیایی مشارکت‌کنندگان در اقصی نقاط ایران زمین عملاً دسترسی به آن‌ها مشکل و زمان‌بر بود. همچنین، مشارکت‌کنندگان این مطالعه بر مردان متمرکز بوده است ولی طبق شواهد تاریخی، زنان به رغم این‌که در زورخانه‌ها حضور نداشتند ولی آنان نیز در صورت‌بندی، شکل‌گیری و توسعه ورزش زورخانه در ایران زمین سهیم بوده‌اند (ناهد، ۱۳۶۰؛ طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳؛ رضازاد عموزین الدینی؛ ۱۳۸۸). برای نمونه، در قیام مردم آذربایجان در انقلاب مشروطه، جنگاوران زن با لباس مبدل حضور داشتند. به نوشته ژانت آفاری^۱: «در جنگ داخلی تبریز (۱۹۰۹ - ۱۹۰۸) زنان شهری و روستایی در ارتش مقاومت آن دیار، که تازه تأسیس بود، جنگیدند. آذربایجان و نواحی غربی دریای خزر را یونانیان باستان سرزمین قبیله افسانه‌ای زنان آمازون می‌دانستند و تبریز، گویی در تعبیر این افسانه، شاهد قیام جنگاوران زن با لباس مبدل در صفوف مقاومت شد.» (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۷۳).

منابع

- آفاری، ژانت. (۱۳۷۹). "انقلاب مشروطه ایران". ترجمه رضا رضایی، چاپ اول، نشر بیستون، تهران.
- افسریان، سبحان. (۱۳۹۵). "معماری و موسیقی تعلیمی در زورخانه". مجله علمی - پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، شماره ۴۲، ۷۹-۸۸.
- امینی‌زاده، سینا. (۱۳۹۲). "کاوش کیفی ورزش باستانی زورخانه (مطالعه موردی ورزشکاران شهر کرمان)". فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، ۱۳۳، ۹-۱۰۹.
- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۳). "تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه رو". تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- برزگر، فرامرز. (۱۳۵۰). "ورزش و ایمان به قدرت و همبستگی ملی". کاوه (مونیخ آلمان). شماره ۴۱ و ۴۲، ۱۳۸-۱۲۸.
- برگر، پیتر آل. (۱۳۸۰). "موج تازه سکولار زدایی از جهان: دورنمای جهانی". در: پیتر آل. برگر (ویراستار)، افول سکولاریسم (صص ۳۳-۲۷). مترجم افشار امیری. تهران: نشر پنگان.

¹ Janet Afary

جعفری، علی‌اکبر؛ قاسمی، نعیمه. (۱۳۹۲). "ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیع." شیعه شناسی ۴۲(۱۱): ۱۶۸-۱۳۹.

حیدری، علی؛ دولت‌شاه، ناصر. (۱۳۹۱). "جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه ای ایران." پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی ۲۰(۲): ۷۲-۵۷.

خالدیان، ولید. (۱۳۹۷). "صد سال ورزش پهلوانی کردستان." سنندج، آریز.

رضازاد عموزین الدینی، مجید. (۱۳۸۸). "زینب پاشا." نشر اختر.

رضوی، سید مسعود. (۱۳۸۹). "ز نیرو بود مرد را راستی (گفتاری در تاریخ و آداب و اصطلاحات ورزش باستانی و زورخانه)." اطلاعات حکمت و معرفت ۶۰(۵): ۴۳-۳۹.

قاسم پور، سجاد؛ جواد شهبلائی؛ علی‌رضا ذاکریان. (۱۳۹۹). "بررسی نقش رسانه‌های نوین در توسعه ورزش زورخانه‌ای." رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۲(۴): ۳۶-۱۵.

طالب‌پور، فریده؛ ویسیان، محمد. (۱۳۹۳). "بررسی نقوش و نمادها در پوشاک ورزش زورخانه‌ای." نگارینه هنر اسلامی ۲(۱): ۵۱-۳۹.

طاهرزاده بهزاد، کریم. (۱۳۶۳). "قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت." چاپ دوم، اقبال، تهران.

فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۸). "اخلاق حرفه ای." تهران، انتشارات مجنون.

کوربن، هانری. (۱۳۸۳). "آیین جوانمردی." ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن

گودرزی، محمود. (۱۳۸۳). "سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه در ایران." حرکت ۲۲(۶): ۱۷۰-۱۴۹.

منتظرالقائم، اصغر. حقی، پروین. (۱۳۹۷). "مفاهیم ملی و مذهبی سازنده مکتب تربیتی زورخانه." فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۵۲: ۹۷-۷۱.

موتاب، احمد. (۱۳۷۷). "آیین فتوت و جوانمردی و پهلوانان آذربایجان." تبریز، موسسه انتشارات روان پویا.

میربی، حسن. (۱۳۴۹). "آینه پهلوان نما." تهران، چاپ میهن.

ناهید، عبدالحسین. (۱۳۶۰). "زنان ایران در جنبش مشروطه." نشر احیا، تبریز.

یاسینی، راضیه. (۱۳۹۴). "کارکردهای تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه." دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، ۲۱، ۱۵۰-۱۳۱.

Azizi, B., et al. (2020). The Study of Chivalry Philosophy, Islamic Generosity and Moral Teachings in Athletic and Gymnasium Sports in Zurkhaneh. Sport, Ethics and Philosophy: 1-10.

Beetham, D. (1985). Max Weber and the Theory of Modern Politics (Cambridge. Polity, 127, 77-128.

Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory*. sage.

Charmaz, K., & Thornberg, R. (2020). The pursuit of quality in grounded theory. *Qualitative Research in Psychology*, 1-23.

- Corbin, H. (1989). *Spiritual body and celestial earth: from Mazdean Iran to Shi'ite Iran* (Vol. 107). Princeton University Press.
- Gardner, A., McCutcheon, H., & Fedoruk, M. (2012). Discovering constructivist grounded theory's fit and relevance to researching contemporary mental health nursing practice. *Australian Journal of Advanced Nursing, The, 30*(2), 66-74.
- İmanzadeh, M., Karahüseyinoğlu, F., Altungül, O., & Parastar, N. (2016). Zorkhaneh and Modernization process in View Point of Iran's superior mentors. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS) ISSN 2356-5926, 1*(1), 1586-1593.
- Wilson, B. R. (2016). *Religion in secular society: fifty years on*. Oxford University Press.

From School to culture: Explaining the socio-cultural process of chivalry and the configuration of zurkhaneh sport in Iran

Ahmad Mootab¹, Vajiheh Javani², AbouAli Vedadhir³

Abstract

Zurkhaneh has played an important role in the intellectual leadership of liberation movements and the promotion of the rites and rituals of fatwa and chivalrous deeds during the ups and downs of the history of Iran. Therefore, this study seeks to explain the socio-cultural process of chivalry and the configuration of sports or in fact the Zurkhaneh school in Iran. The methodological approach of this research is the constructivist grounded theory developed by Kathy Charmaz. Participants in this study (key informants), were well-known and experienced heroes who were both practically and theoretically familiar with the culture, history, customs of Zurkhaneh, as well as the experienced researchers in this who were selected by the snowball sampling method. A total of nineteen key informants and experts in Zurkhaneh sports were recruited through qualitative or purposeful sampling. A semi-structured interview was used to collect data and the interviews were continued until theoretical saturation was reached. The findings of this study show that the socio-cultural process of Ayari and the formation of the Zurkhaneh school in Iran can be explained and summarized in three semantic clusters: a) Axial phenomenon: current actions, reactions and interactions in Zurkhaneh space; (B) The underlying factors or conditions affecting the actions, reactions, and interactions of the chivalry which some of them are facilitators or deter of it; And c) components related to the consequences and effects of actions, reactions and interactions in the Zurkhaneh space, which include the space governing the Zurkhaneh, the space governing the sports environment as an intermediate environment, and society as a macro environment.

Key words: Chivalry, Rite of Death, Zurkhaneh and the ancient sports, Pahlavan, School, Culture.

1. PhD Student, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (motabahmad137@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (v.javani@tabrizu.ac.ir)

3. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (vedadha@ut.ac.ir)